

افزایش کشت مواد مخدر در افغانستان

مهدي مدير

افغانستان در دوران حکومت طالبان به بزرگترین تولید کننده مواد مخدر در جهان تبدیل شد. با روی کار آمدن حکومت جدید، وزارت مبارزه با مواد مخدر ایجاد شد تا از تولید و قاچاق مواد مخدر در کشور جلوگیری کند. اما با گذشت بیش از یک دهه سال، هنوز افغانستان یکی از بزرگترین تولید کنندگان مواد مخدر در جهان است و راهکارهای حکومت افغانستان، نتوانسته است مانع تولید و قاچاق مواد مخدر در کشور شود.

دبیروز وزارت مبارزه با مواد مخدر اعلان کرده است که کشت مواد مخدر در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال گذشته ۱۰ درصد افزایش یافته است. این وزارت همچنان گفته است که ولایت بادغیس به دلیل ناامنی به دومین ولایت تولید کننده مواد مخدر تبدیل شده است. پیش از این نیز دفتر جرایم و مواد مخدر سازمان ملل با همکاری حکومت گزارشی را منتشر کرده بود که نشان می داد در سال ۲۰۱۶ تولید مواد مخدر در افغانستان ۴۳ درصد افزایش یافته است.

افزایش تولید مواد مخدر در کشور نگران کننده است. مواد مخدر در کنار گروه های تروریستی و هراس افکن، دومین عامل ناامنی و بی ثباتی در افغانستان است. قاچاقچیان مواد مخدر از حامیان و تمویل کننده گان اصلی گروه های تروریستی در بخش های مختلف کشور است. آنها با حمایت گروه های تروریستی، از مناطق تحت قلمرو آنها برای کشت و تولید مواد مخدر استفاده می کنند و با همکاری آنها به قاچاق مواد مخدر ادامه می دهند. تولید مواد مخدر سایه سنگینی بر ثبات و امنیت در بخش های مختلف کشور گذاشته است. ولایت جنوبی هلند سالهاست که بزرگترین تولید کننده مواد مخدر در افغانستان است. گروه های تروریستی نیز در بخش های از این ولایت مخفی گاه دارند و همواره تلاش کرده اند که کنترل بعضی از ولسوالی های این ولایت را در دست داشته باشند. عدم تأمین امنیت و ثبات در این ولایت جنوبی، رابطه مستقیم با تولید و قاچاق مواد مخدر دارد. مافیای مواد مخدر تلاش می کنند که این ولایت ناامن بماند تا آنها بتوانند به کشت و تولید مواد مخدر بپردازند و از این طریق درآمدهای اقتصادی هنگفتی را بدست آورند. گروه های تروریستی نیز از تولید و قاچاق مواد مخدر در این ولایت سود سالی می برند و با درآمد حاصل از آن تسلیحات و تجهیزات نظامی تهیه می کنند و علیه نیروهای امنیتی افغانستانی می جنگند.

همچنان یکی از عوامل اصلی ناامنی ها در شمال کشور مافیای مواد مخدر است. گروه های مافیایی تلاش دارند تا با ناامن سازی ولایت های شمال، از طریق این ولایات به بازارهای آسیای میانه راه یابند و مواد مخدر تولید شده در افغانستان را به بازارهای جهانی عرضه کنند.

تولید مواد مخدر به حیث جهانی افغانستان نیز صدمه زده است. بسیاری از مردم دنیا افغانستان را به عنوان یک کشور جنگ زده و تولید کننده مواد مخدر می شناسند. کشت و تولید مواد مخدر، در تصویری که جامعه مدنی و حکومت افغانستان از کشور برای جهانیان ارائه می کنند، سایه سنگینی افکنده است و در بسیاری موارد تیرت درشت رسانه های جهانی شده است. تغییر این تصویر نیازمند مبارزه جدی با کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر است.

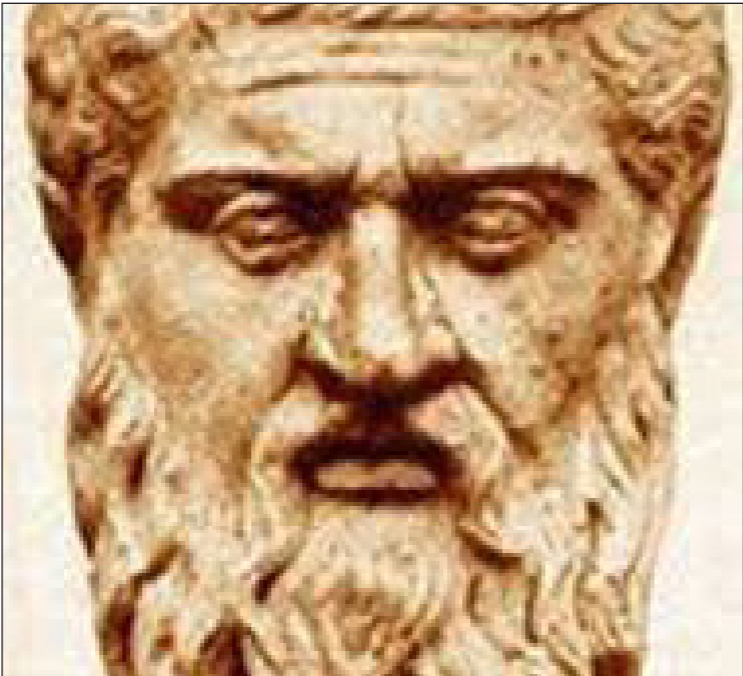
حکومت افغانستان بیش از یک و نیم دهه است که برای مبارزه با مواد مخدر پول های هنگفتی را به مصرف رسانده است و برنامه ها و راهکارهای مختلف را روی دست گرفته است. اما افزایش کشت و تولید مواد مخدر در کشور، مینانگ این است که راهکارهای حکومت افغانستان برای مبارزه با مواد مخدر، از مؤثریت لازم برخوردار نبوده است و برای محو مواد مخدر کارآمد نبوده است و نیاز است تا این راهکارها بصورت جدی بازمینی شود. علاوه بر این، باید اراده ی جدی برای مبارزه با مواد مخدر در درون حکومت بوجود بیاید. نبود اراده ی لازم برای محو کشت کوکنار در سالهای گذشته، یکی از عوامل ناکامی حکومت در امر مبارزه با مواد مخدر بوده است و تداوم این رویکرد، برنامه های حکومت برای ثبات امنیتی، سیاسی و اقتصادی را آسیب جدی می رساند.

یونان از نظر سیاسی در تاریخ آوازه بلند دارد و تجربه یونان در دنیای گذشته و به نحوی در دنیای بعد از یونان کم سابقه است. امروز همه پژوهشگران تاریخ و اندیشه متعهد هستند که سیاست حتی سیاست به مفهوم امروزی آن از نوآوری های اندیشه یونانی بوده است. هم چنان که فلسفه را یونانیان تأسیس کرده است اندیشه یهترین دولت، اندیشه نو، نبود. یونانیان به سابقه کثیف فطری همیشه می گویند، در همه رشته های علمی و هنری به کمال راه یابد و این کشش در زندگی سیاسی هم مایه ناکسندی دائمشان از وضع موجود بود و حتی قانون سختگیرانه موجود در جامعه یونان که هر کوششی را برای واژه گون ساختن نظام سیاسی دولت به مجازات مرگ محکوم می کرد، مانع از آن نشد که دست کم در عالم خیال طرح یک زندگی سیاسی بهتر را نریزد. مخصوصاً اوضاع اجتماعی سالیان دراز، موضوع تفکر جدی بود، حتی در روزگار باستان و اعصار روم، شاعران، تصاویر گوناگون آرمانی از دولت مبتنی بر نظم و قانون ساخته بودند.

تورتایوس «Tyrtaeus» شاعر محافظه کار اسپارتی نظام سیاسی اسپارت را نظام آرمانی اعلام کرد بود و سولون گامی فراتر از آن رفته و دولت شهر کامل را دولت شهر دانسته که بر آرمان عقلی استوار باشد. در دوره سوفسطائیان، متفکران حتی بیشتر از این رفته و برای از میان برداشتن شرور و معایب اجتماعی پیشنهادها عملی به میان آورده بودند. هیپوداموس «hippodamus» و فالانس «phales» که کلیات مربوط به دولت های خیالی شان از طریق سیاست اسطو، قابل ارزیابی است، به پیروی از روحیه عقل گرای عصر خویش، طرح نظام سیاسی عادلانه و پایداری را ریخت که شکل قالیبیش یاد آوری نقشه شهر سازی هیپوداموس است و فالانس در طرح نظام سیاسی خود تربیت یکسان را برای همه پیش بینی کرده بود و این تربیت را، بندی دانسته بود که تمام جامعه را در درون به هم می پیوندد. در اواخر جنگ پلو پونز، یکی از سوفسطائیان رساله درباره اصلاح دولت نوشت و مسأله اصلی جامعه را فضیلت شهروندی، قدرت و مرجعیت قوانین

قربانعلی انصاری

حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی افلاطون



حکیم، اساسی ترین و مهم ترین اصل در اندیشه سیاسی افلاطون است، حوادث سیاسی زمان افلاطون از جمله اعدام استادش سقراط به اتهام گمراه کردن جوانان، او را بر آن داشت که برای سعادت و خوشبختی جامعه، حکومت فیلسوفان را برای جامعه، کمال مطلوب و ضروری بداند. بر اساس این نظریه، تنها راه نجات از حاکمیت نظام های فاسد، و گذاری اداره امور دولت ها و کشورها به دست فلاسفه و حکیمان است. در فلسفه سیاسی افلاطون خدا باید بر ما حکومت کند و حاکمیت خدا در حاکمیت قوانین الهی ظهوری یابد و تنها با روح با خرد که جزء الهی وجود آدمی است، می توان به قوانین الهی دست یافت و فیلسوف هم کسی است که با حاکم گردانیدن روح خود بر سایر اجزاء هستی خویش می تواند، به شناخت قوانین الهی نزدیک شود. از این رو افلاطون باور مند است بزرگترین بیماری دنیای سیاسی اخلاقی فقدان مرجع عالی است تا هدفی را که باید در نظر داشت معین نماید و قوانین لازم را برای دست یابی به آن هدف وضع نماید و معالجه بیماری های اجتماعی امکان

سیاسی هم از این جهت فسرک با توجه های مردم ندارد، انواع قوانین و نظام های سیاسی را سرمشق خود قرار می دهد و جز تقلید از قوانین و نظام ها، کاری از دستش بر نمی آید از تقلید، تقلید می کند؛ اما فیلسوف کسی است که سرمشق روشن در درویش دارد، هنگام که همه چیز در حال زیر و زبر شدن است، بدان سرمشق چشم می دوزد. و این بالاترین فضیلت است برای یک فیلسوف.

هر چند افلاطون از حکومت های مختلف بحث کرده است، ولی به طور روشن، حکومت مطلوب خود را بیان نکرده است؛ اما از سخنان افلاطون استنباط می شو که افلاطون در بسیاری از گفتگوهای حکومت حکیم را مطرح کرده است، که اگر بخواهیم حکومت مورد پسند افلاطونی را معرفی کنیم، باید به چیزی به نام «مستبد خیر خواه» قائل شویم. البته باید توجه داشت که استبداد حکیم، استبدادی مشروط به خیر خواهی و سعادت است و با حکومت مستبدانی که مصادق ظالم و مستبد بوده اند فرق بسیار دارد. پس ما با دو شکل مطلق مدینه رو به هستیم، مدینه فلسفی که در آن خرد و عقلانیت حاکم است و فیلسوف شاه بر آن حاکم است و مدینه استبدادی که در آن امیال و شهوات حاکم است. در زمانی که فیلسوف حضور دارند و اداره امور مدینه را بر عهده می گیرد، نیازمند هیچ قانون بیرونی نیستند؛ بلکه قانون آن ها مبتنی بر دانش ایشان است، بر این اساس در دولت آرمانی افلاطون نیازی به قوانین جزئی نیست؛ زیرا نظام تربیتی کاملی که «جهمپوری» بر آن استوار بود، دولت کامل را از قوانینی که بسار دوش دولت های زمان او بود بی نیاز می ساخت. و باور افلاطون، قدرت حکومت، باید در دست فرمانروایی باشد که از روی دانش حکومت می کند، نه در دست قانونی. چرا که یگانه قانون درست، دانش و هنر کس است که در امر سیاست استاد است و نیروی هنر را بالاتر از قانون مدون می شمارد. در صورتی که فیلسوف شاه در جامعه حضور نداشته باشد چه باید کرد؟ به نظر افلاطون در این صورت قانون مدون باید حاکم باشد؛ زیرا قانون مدون و مکتوب، جایگزینی است برای دانش حکیم که نقش قانون راستین را بر او دارد حضور فیلسوف شاه بازی می کند. در دوره حضور حکیم و فیلسوف قانون مکتوب و مدونتی وجود ندارد، بلکه هر آن چه بر اساس دانش آن ها بیان و اعلام شود، در حکم قانون است، در دوره غیبت فیلسوف شاه، قانون مدون مبنای عمل است.

اطفال شان لباس نو می دوزند، خانواده های خوش روزگار، پرده های یکلین و بعضی اساس خانه شان را نیز نو می کنند، خانواده هایی که نامزادار هستند، یک دست لباس با مقدار میوه و شیرینی، اگر معمول تر باشند یک بره لاندی به خانه عروس آینده عیدی می برند.

از حدود ده سال بدین سو در شب تحویل سال نو، شمار زنان، مردان و اطفال در مقابل پیکر تخریب شده بودای ۵۳ متره و یا در سالنی جمع می شوند تا پاسی از شب به آواز خوانی و قصه خوانی می پردازند. هنرمندان سرشناس محلی مانند صندر توکلی، سبید انور، عظیم رضایی، میرچمن سلطانی، علی دریاب و دیگر استادان موسیقی و سرراندگان معروف با اشتراکشان میله نوروز را نشاط و سرور خاص می بخشند.

روز نوروز تعدادی از مردم در مرکز این ولایت جمع شده در زیارت میرهاشم میروند و با برفراشتن علم زیارت میرهاشم، سخنرانی مقامات ولایت، دیدار از گلزار شهدا این روز را با شکوهندی تجلیل می کنند.

نخبیه یکی از دختران جوان که در مرکز بامیان زندگی می کنند می گوید: «صبح نوروز با تهیه کردن سفره هفت سسین عید از آغاز می کنم، یک سبد سمنک تازه نیز در وسط دسترخوان می گذاریم، دور آن جمع شده، سال نو را به یکدیگر مبارک باد می گویم، خانه دوستان و فامیل هایم می رویسم، میله می گیریم، جای تقریبی زجر زده و ساعت تیری می کنیم. اما این که پسران جوان، نوروز را در بامیان چگونه تجلیل می کنند، هاشم باشنده دره اشگران این ولایت می گوید: «پس از خوردن نذر حفسرت علی در کوه می رویم سرچرخ می زنیم، در میرهاشم می ایم تخم چنگی و مرغ چنگی و توپ بازی می کنیم»

نوروز مغاره نشینان بیش از دو صد خانواده در اطراف مجسمه های تخریب شده بودا، در مغاره های کوه زندگی می کنند، آنان نیز نوروز را جشن می گیرند، اما متفاوت تر از دیگر شهروندان بامیان، چون مغارنشینان نمی توانند به اطفال شان لباس نو بخرند، غذای لذیذ بپزند، سفره هفت سسین تهیه کنند و با دیگر شهروندان یکجا مراسم بگیرند. خدایبخش که یکی از این مغاره نشینان می گوید: «نوروز را با پختن حلوا سفید، حلوا سنجی و برنج دم پخت تجلیل می کنیم، مردان خانواده همراه اطفال با یکس قورغذای نذرانه در یک مغاره کلان جمع می شسوند، بعد از صرف غذا دعا می کنند که روزی ما هم صاحب یک خانه و سرپناه شویم، بر بکت، صلح و امنیت در سال نو می خواهیم»

به باور خدایبخش، نوروز یکی از زیباترین تخته هایی است که از مردمان قدیم به مردم امروزی به میراث مانده است، او علاوه می کند: «روز نوروز به عنوان آغاز سال نو، فصل شکوفایی طبیعت، پشت سرگذشتن سختی و گرفتاری های زمستانی بسیار نشاط آور است.» شماری از باشندگان بامیان به این باوراند که روز نوروز مصادف با به خلافت رسیدن حضرت علی است و تعدادی هم از این روز به عنوان آغاز فصل کشاورزی به برگزاری جشن و سرور مشغول اند.



ششی پیش از نوروز یک خروس سفید را به پیشواز سال قربانی می کردند و تولد دوباره طبیعت را جشن می گرفتند. رواج دیگری که هم اکنون از آن تنها یک مَثَل باقی مانده است که می گویند: «جنگ خرمن سرشیدار» قول و قرار دهقانان و مالکان زمین بود که بعد از خوردن حلوا ی نوروزی صورت می گرفت، مردان زراعت پیشه، شرایط کارشان را در طول زمستان موکول می کردند به روز نوروز و پس از صرف حلوا ی نوروزی، سرورصفدری، باشنده ولسوالی پنجاب این ولایت نیز به گذشته استر، بر می گردد، او از بازی های دوران کودکی اش در روز نوروز یاد کرده می گوید: «فرا رسیدن نوروز را بی تابانه انتظار می کشیدیم، آن روز همه بچه ها یکجا جمع شده کلاه قاغ بازی می کردیم، بالای برف سورچه می زدیم - نوعی بازی روی برف می باشد شبیه اسکی» - توپ دنده و دوره میخ بازی می کردیم.»

او علاوه می کند: «برای من و هم سن و سالام، نوروز، یک روز خاطره انگیز بود، مزه غذاهایی را که در روز نوروز تهیه می کردند تا هنوز به کام دارم، بسیار لذت بخش بود. یکی سرخ و قیرغه جگر را بیشتر دوست داشتم، بعضی خانواده ها دلدله نیز می پختند.»

مراسم نوروز در سال های اخیر با آن که شماری از رسم و رواج های بومی مردم بامیان به فراموشی سپرده شده است، اما هنوزم نوروز در این ولایت یکی از روزه های تاریخی و به یادماندنی است که با مراسم خاص از زنان خوش تب را لباس مردانه می پوشانند، از پشم بز و گوسفند به او ریش و پروت می ساختند، وی را صاحب کندوی گندم خطاب کرده دورش پیشو می کردند، غمبوز می زدند اخوچی می زدند و غیجک می نواختند.» خانم حسینی از برخی رسم و رواج های بومی مردم که هم اکنون فراموش شده است با حسرت یاد نموده می افزاید: «در سابق باور به این بود که در روز نوروز زمین دوباره زاییده می شود، عروسی و یاد دختر جوان و دم بخت خانه دو هفته پیش از نوروز سمنک می کاشتند،

رسم و رواج های نوروزی در بامیان

نوروز رجا

جشن نوروز از دوران باستان تا کنون، با شکوهندی در افغانستان تجلیل می گردد. این جشن باستانی که نویدبخش ختم زمستان و آغازگر بهار می باشد، تاریخ کهن دارد. اما بحران های سیاسی و فرهنگی نزدیک به چهارده گذشته در کشور سبب از بین رفتن شماری از رسم و رواج های محلی تجلیل از روز نوروز در بامیان شده است.

در گذشته های دور از روز نوروز به علاوه ی آغاز سال نو و رسیدن فصل بهار، به عنوان روز دهقان نیز تجلیل می شد، در این روز دهقانان برنامه های ویژه خودشان را داشتند که هم اکنون به فراموشی سپرده شده است. زنان از اول ماه حوت بسرای تجلیل از نوروز و استقبال از آمدن بهار آدمگی می گرفتند، سمنک می انداختند و خانه تکانی میکردند، جوانان، بسا ذخیره کردن تخم مرغ کلنگی و آماده ساختن چوب دنده توب بازی رسیدن نوروز را بی تابانه انتظار می کشیدند، اما در

مسالهای اخیر برخی از این رسم و رواج ها در حالت از بین رفتن است. پیش از انقلاب باشندگان بامیان این روز را با تشریفات خاصی تجلیل می کردند، یک شب پیش از عید نوروز خانواده ها به یاد بود اموات شان نذر و خیرات میکردند و آن را خانه یکدیگر میفرستادند که به آن عید مرده ها میگفتند

دهقانان در روز نوروز، سه گردن و پیشساته گاوهای قلیهای شان تعویض و گردن بندی های توپک داری را که زان به پیشواز آغاز کشت و کار و شکوفایی طبیعت از نخ های رنگارنگ می بافتند، می آویختند. شانه های یوغ، شاخ گاوها و پیشساته قوچ ها را رنگ کرده، با رسیار، قوچ های جنگی، بیل و دیگر وسایل کشاورزی، یگان خوشه های گندم سال گذشته را نیز به گوشه دستارشان زده در پیش روی حکمران «والی» و دیگر مقامات دولتی ولایت ریژه رفته آغاز سال نو را مبارکباد می گفتند. از طرف مسئولان دولتی به دهقانانی که گاوهای قلیهای و شیری و سایر حیوانات خوب تربیه میکردند و در تولید محصولات زراعتی، موفق بودند جایزه های تشویقی داده می شد.

پس از مراسم ویژه، جوانان در مقابل مجسمه های بودا جمع شده کشتی گیری، ریسمان کشی و ماچوک سآوری می کردند. بزرگسالان سسال نو را به همدیگر تبریکی گفته دعای شکرگزاری و تمنای خیر و برکت میکردند، سپس راهی زیارتگاهها، تفریحگاه ها و باشیدن بدرهای بهاری می شدند. استاد قنبرخان یکی از باشندگان ولسوالی یکه ولنگ می گوید: «روز نوروز برای مردان جوان که می توانستند چاپ اندازی کنند یک روز به بادماندن بود، آنان روز نوروز از قریه های دور و نزدیک به مرکز ولسوالی ها جمع شده اسب دوانی و بزکشی می کردند، تعدادی هم سوار بر اسبهای تندرو نیزه می زدند، تماشاگران هلهله راه انداخته کف می زدند، زنان به فاش زین اسبهای که برنده مسابقه می شدند دستمال های قیمتی



بنیان گذار: داکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سر دبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وبسایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷